

۱۶ آذر روز دانشجو



جنبش دانشجویی در مصاف با رژیم اسلامی:

آزادی برابری! رهایی زن رهایی جامعه است!

آنر ماجدی

طی هفته گذشته جنبش دانشجویی

اعتراضات گسترده، متشکل و رادیکالی علیه رژیم اسلامی، در اعتراض به دستگیری حدود 30 دانشجو و برای آزادی آنها در دانشگاه های مختلف سازمان داد. صد ها نفر در چندین دانشگاه، از جمله، دانشگاه تهران، علامه، آزادی تبریز، فنی و مهندسی کرمانشاه و دانشگاه فردوسی با پلاکاردهای سرخ، محکم و مصمم به وجود خفقان و به بازداشت رفقایشان اعتراض کردند و خواهان آزادی و برابری شدند. این صف محکم و مصمم دانشجویان نور امید به قلبهای آزادیخواهان تاباند.

رژیم اسلامی که تصور میکرد با دستگیری دانشجویان فعال چپ دانشگاه را به سکوت کشانده است، انتظار این عکس العمل متحد و متشکل، وسیع و رادیکال را نداشت. تجمعات دانشجویی علیرغم تدابیر شدید امنیتی رژیم اسلامی برگزار شد. روز دوشنبه و سه شنبه در اطراف دانشگاه تهران فضا شدیداً پلیسی بود. اما دانشجویان عزم جزم کرده بودند

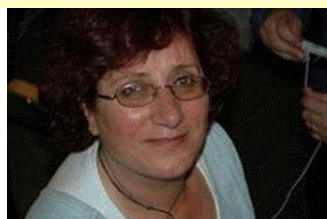


که در مقابل دستگیری رفقایشان ساکت نخواهند نشست و اعتراض خود را به گوش مردم ایران و جهان خواهند رساند. جسارت دانشجویان قابل تحسین است. وجود دانشجویان دختر که

بازوهایشان را در یکدیگر حلقه کرده بودند به شعار آزادی و برابری که در پلاکاردهای بزرگ به صحنه زیبایی و صلابت خاصی داده بود، روح و جان می بخشید.

برخی شعارهای این تجمعات به قرار زیر است: آزادی، برابری، دانشگاه پادگان نیست، رهایی زن رهایی جامعه است، جنبش دانشجویی متحد جنبش زنان، جنبش دانشجویی متحد جنبش کارگری، اوین دانشجو می پذیرد، دانشگاه زندان نیست، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، ممنوعیت ممنوع است، نان، صلح، آزادی، کارگر، دانشجو اتحاد اتحاد، جنگ نکن، عشق بورز و نه به جنگ، یا سوسیالیسم یا بربریت.

اسامی دانشجویان دستگیر شده به این قرار است: **در صفحه بعد**



سخن سردبیر

**رفقا! دنیا دنیای شماست!
رفقای دانشجو! زنان و مردان آزادیخواه!**

اعتراضات و گردهمایی‌های شما یکبار دیگر نشان داد که چگونه چشمهای میلیونها انسان در ایران به شما دوخته شده است. شما نشان دادید که نیروی برابری طلب و آزادیخواهید که بر علیه یکی از کثیفترین حکومت‌های تاریخ بشر پرچم آزادی را برافراشته اید. اعتراضات به حق شما بر علیه اعدام، خشونت و جنگ و برای رفاه و یک زندگی انسانی خواست همه جامعه ایران است. شما به حق نشان دادید که انسانها سزاوار یک زندگی انسانی بدور از بربریت جمهوری اسلامی هستند. امید برای برپائی یک جامعه انسانی آرزوی همه انسانهاست. بازداشتها و دستگیریهای اخیر دانشجویان تنها نشان از زبونی و ترس جمهوری اسلامی از قدرت و همبستگی شماست.

زنده باد همبستگی شما، زنده باد آزادی و برابری

دستتان را به گرمی میفشاریم.

در این شماره:

این شماره اساساً اختصاص دارد به اعتراضات دانشجویی اخیر در ایران، و همینطور لیست دستگیرشدگان اعتراضات دانشجویی را برای اطلاع عموم چاپ کرده ایم. مقاله ای از آنر ماجدی رئیس سازمان آزادی زن در همین مورد داریم. در صفحه ۸ مارس نامه سرگشاده ای به سازمانها و فعالین حقوق بشر در مورد موقعیت زنان در ایران از پروین کابلی چاپ شده است. مقاله و یادداشت از شهلا نوری و



سخنرانی‌ها ارجمند در کانادا در آخرین لحظات قبل از انتشار به دستمان رسید که در صفحه ۶ درج میشود.

پروین کابلی

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

۱۶ آذر روز دانشجو

کامیار آزادمهر از فعالین آزادی زن در ایران است. مصاحبه زیر گوشه‌ای از گفتگو با وی می‌باشد.

هنیت تحریریه آزادی زن

پروین کابلی: کامیار عزیز با تشکر از شما برای شرکت در این گفتگو. به نظر می‌رسد که ۱۶ آذر امسال دارد اشکال بسیار دراماتیکی به خود می‌گیرد. دستگیری و احضار فعالین و دانشجویان این روزها شدت بسیاری به خود گرفته است. نظرتان در مورد اوضاع کنونی چیست و به‌طور واقعی اوضاع به کدام سو می‌رود؟

کامیار آزادمهر: با وجود همه دستگیری‌ها مراسم ۱۶ آذر به خوبی برگزار شد و نشان داد که دانشجویان آزادیخواه برای سرنگونی رژیم خیز برداشته‌اند، جنبش دانشجویی در یک مرحله حساس و تاریخی قرار دارد و دانشجویان تلاش دارند خود را از گروه‌های وابسته به حاکمیت مثل تحکیم وحدت جدا کرده و تشکل‌های مستقل دانشجویی را به وجود بیاورند. برای همین اوضاع به سوی رادیکال‌تر شدن پیش می‌رود.

پروین کابلی: جدا از اتفاقاتی که در روزهای اخیر افتاده است، آیا می‌توانید تصویری از جنبش دانشجویی در ایران بدهید؟ چه گرایشاتی حاکم است و چه خواسته‌هایی الان به عنوان خواسته‌های محوری دانشجویان مطرح است؟

کامیار آزادمهر: در حال حاضر فضای دو قطبی بر دانشگاه حاکم شده، نیروهای راست با امکانات نسبتاً بهتری در پشت تحکیم وحدت جمع شده‌اند و منافع خود را در پیوستن به پرو غرب و جناح پراگماتیست جمهوری اسلامی می‌بینند! اما دانشجویان چپ با همه محدودیت‌ها همچنان اکثریت فعالان سیاسی دانشگاه را تشکیل می‌دهند و با همه‌ی سرکوب‌ها و توهین‌ها که هم از جانب حکومت و هم اپوزوسیون راست به آنها پرتاب می‌شود همچنان به کار سازماندهی خود مشغولند! اما کلی‌ترین خواست که به‌طور یکسان از طرف دو جناح مطرح می‌شود، نفی جنگ و آزادی زندانیان سیاسی می‌باشد! خواست‌های دیگر که بیشتر از جانب دانشجویان چپ مطرح می‌شود آزادی پوشش و الغای تبعیض جنسی می‌باشد.

پروین کابلی: با توجه به خبرهای دریافتی به نظر می‌رسد که هماهنگی در میان دانشجویان شهرهای مختلف و همچنین گروه‌های مختلف وجود داشته است. آیا به نظر شما این تصور درست است و آیا دانشجویان چپ توانسته‌اند همکاری‌های مشخصی با هم داشته باشند؟

کامیار آزادمهر: در واقع تمام این مراسم توسط یک گروه اداره نشد زیرا جنبش چپ مخالف این تک محوری است و بارها خواستار ایجاد تشکلهای مستقل دانشجویی از هر مرام و مسلکی بوده است! برای همین وقتی قبل از مراسم اکثر چهره‌های چپ در دانشگاه دستگیر شدند، جنبش شکست نخورد و با قدرت تمام مهر آزادیخواهی و برابری طلبی را بر جنبش دانشجویی کوبید!



خواهیم کوشید و تمام مردم آزادیخواه را به اعتراض به رژیم اسلامی و تلاش برای آزادی این دانشجویان فرا می‌خوانیم.

تجمعات ۱۶ آذر یک نقطه عطف مهم در جنبش اعتراضی مردم علیه رژیم اسلامی و در مبارزه برای آزادی و برابری بود. در این روز مبارزات مردم برای رهایی از این بختک خفقان، فقر، جهالت و

مردسالاری بطور ملموسی متحول شد. رژیم که مدتی است به دستگیری فعالین کارگری، فعالین جنبش حقوق زن، و معترضین مبادرت کرده است، با این تصور دست به دستگیری فعالین دانشجویی زد که جنبش دانشجویی را مرعوب و ساکت کند. رژیم در هراس از یک ۱۶ آذر رادیکال به این کار مبادرت ورزید، اما جنبش دانشجویی با درایت و هوشیاری و جسارت

نقشه‌های آن را نقش بر آب کرد. اعتراضات دانشجویی در سطح جهان منعکس شد. اخبار دستگیری‌های گسترده نیز در دنیا منعکس شده و اعتراض سازمان‌های بشر دوست را برانگیخت. جنبش دانشجویی توانست جنبش اعتراضی علیه رژیم اسلامی و برای آزادی و برابری را یک قدم جلو بکشانند. درود بر تمام این دانشجویان جسور. **زنده باد آزادی و برابری.**



۱. میلاد معینی (دانشگاه مازندران) ۲. بهرنگ زندی (دانشگاه مازندران) ۳. حامد محمدی (دانشگاه مازندران) ۴. آرش پاکزاد (دانشگاه مازندران) ۵. حسن معارفی (دانشگاه مازندران) ۶. انوشه آزادفر (دانشگاه تهران) ۷. ایلناز جمشیدی (ارتباطات، آزاد تهران مرکز) ۸. مهدی گرایلو (ژئو فیزیک، تهران) ۹. نادرا حسنی (دانشگاه مازندران) ۱۰. سعید حبیبی (عضو اسبق شورائی مرکزی ادوار تحکیم وحدت) ۱۱. بهروز کریمی زاده (دانشگاه



تهران) ۱۲. کیوان امیری الیاسی (کارشناسی ارشد صنایع، دانشگاه صنعتی شریف) ۱۳. نسیم سلطان بیگی (دانشکده ارتباطات، علامه) ۱۴. علی سالم (کارشناسی ارشد پلیمر- پلی تکنیک) ۱۵. محسن غمین (دانشگاه پلی تکنیک) ۱۶. روزبه صف شکن (دانشگاه تهران) ۱۷. روزبهان امیری (علوم کامپیوتر، تهران) ۱۸. یاسر پیر حیاتی (دانشگاه شاهد) ۱۹. مهسا محبی ۲۰. سروش هاشم پور (دانشجو اهواز) ۲۱. سعید اقام علی (دانشگاه یزد) ۲۲. بیتا صمیمی زاده (دانشجوی پلی تکنیک) ۲۳. علی کلانی ۲۴. امیر مهرزاد ۲۵. هادی سالاری ۲۶. فرشید فرهادی آهنگران ۲۷. امیر آقایی ۲۸. میلاد عمرانی ۲۹. یونس میرحسینی (دانشگاه شیراز)

هم اکنون کمیته‌ای برای پیگیری آزادی این دانشجویان اسیر تشکیل شده است. ما در سازمان آزادی زن به سهم خود برای آزادی این دانشجویان در بند

نه به مجازات اعدام! نه به جمهوری اسلامی!



سرنماچاری به ازدواج با مردانی که خانواده های آنها انتخاب میکنند تن میدهند.

در یک کلام میتوانم بگویم که خشونت بر علیه زنان چه در خانواده و چه قانونی، بسیار آشکار است و آپارتاید جنسی در ایران قانونا و عملا با تمام اشکال زشت و غیر انسانی آن حاکم است.

اما این فقط یک طرف این وضعیت است. طرف دیگر این سکه مبارزاتی گسترده و چشمگیر است که در سالهای اخیر تشدید شده است و بطور روز مره در همه جا تاثیر خود را به جای گذاشته است.

زنان علیرغم فشار، تهدید، زندان، اعدام و سنگسار هر روز به مبارزه و تلاش بیشتری دست زده اند. بسیار جالب است توجه کنیم که در سالهای اخیر بیشترین صندلی‌های دانشگاه‌ها و مدارس عالی به وسیله زنان اشغال شده است. حجاب اجباری هنوز یک موضوع کشمکش دائمی بین زنان و ماموران دولتی است. هرروز خیابانهای ایران شاهد درگیری زنان جوان با ماموران دولتی در مورد چگونگی پوشش و استفاده از حجاب است. زنان بارها و بارها در شورشهای شهر حجاب‌های خود را

بقیه در صفحه بعد

کمک به زنان فقط افسانه‌ای خیالی و رویایی است. در چنین شرایطی افزایش قتل‌های ناموسی، محکومیت زنان به سنگسار و زندانهای طولانی پدیده‌ای غریب نیست. کشتن کودکان دختر در مناطق عقب افتاده پدیده‌ای رو به افزایش است. فقر در میان زنان مجرد بیداد میکند. سن ازدواج برای دختران در نقاطی از ایران بسیار پایین‌تر از 15 سال میباشد. کودکانی که اغلب از طرف خانواده‌های فقیرشان به مردان مسن فروخته میشوند.

نبود بازار کار و قوانین مناسب کاری، فحشا را بطور ویژه‌ای در ایران گسترش داده است. امروزه کشورهای همجوار ایران به بازار کار زنان ایرانی که برای تامین خانواده خود به تن فروشی روی آورده اند تبدیل شده است. در تعدادی از این کشورها خرید و فروش علنی دختران جوان ایرانی یک صنعت جدید است.

مسئله رابطه جنسی افراد بزرگسال امری خصوصی نیست. زنان و مردان باید از قوانین بسیار متحجری که مبنای آن اسلام است پیروی کنند. تخطی از این قوانین مجازات‌های بسیار سختی مثل سنگسار، شلاق، زندان و اعدام برای همه و به ویژه زنان را به همراه دارد.

زنان همچونسگرا در شرایط بسیار بدی بسر می‌برند. خطر اعدام، طرد از خانواده و کشته شدن بوسیله افراد فامیل به شدت این گروه را تهدید میکند. بسیاری از زنان همچونسگرا از

از عرصه‌های اجتماعی عملا نمیتوانند شرکت کنند. با تصویب قانون حجاب اجباری، زنان عملا از نظر ظاهری از جامعه محو، در محل کار و فعالیت از مردان جدا، از ورود به ورزشگاهها منع و در وسائل نقلیه عمومی جا و صندلی ویژه برایشان در نظر گرفته شده است.

از نظر قوانین خانوادگی وضعیت بسیار بدتر از این است. زنان در هنگام ازدواج و انتخاب شریک زندگی و یا طلاق با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند. بدلیل زن بودن نمیتوانند سرپرستی فرزندان خود را پس از طلاق به عهده بگیرند. رابطه دوستی دختران و پسران که در بسیاری از کشورهای دیگر دنیا رابطه عادی محسوب میشود در ایران مجازات‌های سنگینی دارد. در نتیجه عجیب نیست که خودکشی و خودسوزی و افسردگی در میان زنان بویژه زنان جوان پدیده‌ای بسیار گسترده میباشد.

قوانین نابرابر و بر مبنای شریعت باعث رشد صد برابر مردسالاری در ایران شده است. آمار دختران جوانی که از خانه فرار میکنند و در دام باندهای قاچاق مواد مخدر و فروش انسان می‌افتند بنا به گزارشهای رسمی خود رژیم بسیار بالاست. میانگین سنی بسیاری از این دختران فراری پائین‌تر از 14 سال است.

هیچ آمار قابل استنادی در مورد خشونت در خانواده بر علیه زنان وجود ندارد و مراکز

به سازمانهای حقوق زنان و حقوق بشر!

دوستان گرامی!

این نامه را به عنوان دبیر اجرایی سازمان آزادی زن ایران به شما می‌نویسم. هدف از نوشتن این نامه توضیح مختصری در مورد جنبش برابری طلب زنان در ایران و خواست و توقع ما از شما به عنوان فعالین برابری طلب و حقوق بشر در رابطه با 8 مارس 2008 است.

بسیاری از شما با موقعیت زنان در ایران آشنائی دارید و در جریان فعالیت‌های ما در این زمینه هستید. اما اگر بخواهم بطور مختصر توضیح بدهم باید بگویم که در ایران جمهوری اسلامی زنان در موقعیت ویژه‌ای قرار دارند. اساس حکومت در ایران بر مذهب اسلام استوار است و اسلام بعنوان ایدئولوژی حاکم بر زندگی مردم و بویژه زنان تاثیرات انکار ناپذیری دارد. تمام قوانین اجتماعی، سیاسی و حقوقی جامعه بر اساس قوانین مندرج در اسلام است و این قوانین امروز زندگی زنان را بطور ویژه‌ای شکل داده است. زنان رسماً و قانوناً از بسیاری از حقوق اجتماعی و انسانی خود محرومند.

جامعه ایران امروز به زنان و مردان تقسیم شده است و شهروندان ایرانی از حقوق اجتماعی فقط بر اساس قوانین اسلامی برخوردار میشوند. بر همین مبنا زنان نصف مردان محسوب میشوند. در بسیاری

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

بقیه نامه در مورد 8 مارس

بعنوان اعتراض پرت کرده اند و یا سوزانده اند. لغو حجاب اجباری بعنوان سمبل جمهوری اسلامی، امروز یک خواست مهم زنان در ایران است.

اما مبارزه زنان از این هم فراتر رفته است. اعتراض به قوانین نابرابر هر روزه است و این اعتراض بوسیله فعالین زن سازمان داده میشود. روز 8 مارس در سالهای اخیر به روزی برای اعتراض به کلیت جمهوری اسلامی تبدیل شده است و فعالین زن تلاش نموده اند هر جا که امکان دارد این روز را گرامی بدارند و پلانفرم برابری طلبانه و آزادی زن را به خواست عمومی جامعه تبدیل نمایند. زنان ایران خواستار برابری کامل و بی قید و شرط هستند و برای آن مبارزه و تلاش میکنند.

هم اکنون دهها نفر از فعالین زن در ایران یا در زندان بسر می برند و یا در خطر

دستگیری قرار دارند.

دوستان گرامی!

این نامه میتواند بسیار طولانی تر از این باشد تا بتواند تصویر کاملی از موقعیت زنان در ایران را ارائه دهد. اکنون که 8 مارس نزدیک است جنبش برابری طلب زنان در ایران خواهان حمایت شما و سازمان شما برای گسترش مبارزه خود بر علیه جمهوری اسلامی و جلب حمایت عمومی دنیا از خواستهای برابری طلبانه خود است.

جنبش برابری طلب در ایران اکنون روزهای دشواری را در مقابل خود دارد. خطر یک حمله نظامی از طرف آمریکا ایران را تهدید میکند. ما فکر میکنیم که تحریم اقتصادی که دولت آمریکا در حال سازمان دادن آن است عملاً گرسنگی و فقر بیشتری را به مردم و در وهله اول به زنان و کودکان تحمیل میکند. یک حمله نظامی به ایران، جمهوری اسلامی را

در موقعیت مناسبی قرار خواهد داد و رژیم فشار و تعدی بیشتری را به فعالین برابری طلب در ایران سازمان خواهد داد. به این لحاظ پشتیبانی شما در چنین شرایطی امری حیاتی و مهم برای رسیدن به خواستهای ما و افشای جمهوری اسلامی و جنایات آن است.

سازمان آزادی زن در این راستا و برای تحقق این اهداف تلاش میکند. سازمان آزادی زن تلاش میکند که به عنوان سازمانده این مبارزات ظاهر شود تا همه با هم بتوانیم گامهای مهمی برای آزادی زن در ایران برداریم.

ما از شما میخواهیم که با فرستادن نامه:

1- جمهوری اسلامی را به خاطر نقض آشکار حقوق بشر در ایران محکوم کنید.

2- آپارتاید جنسی در ایران را

محکوم کنید و نامه های اعتراضی خود را در این مورد به سازمان های حقوق بشر، از جمله امنستی و سازمان ملل بخش زنان ارسال نمایید.

3- پتیشن ما در محکومیت آپارتاید جنسی در ایران که در آدرس ما در زیر درج شده است را امضا کنید.

4- برای تشدید مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی و تحقق خواستهای برابری طلب زنان در ایران ما را یاری نمایید.

8 مارس 2008 باید به روز محکومیت نظام آپارتاید جنسی تبدیل گردد.

با بهترین آرزوها

پروین کابلی دبیر اجرایی سازمان آزادی زن

(این نامه در ماه نوامبر و دسامبر برای تعدادی از سازمانهای مدافع حقوق زنان ارسال شده است)

www.petitiononline.com/maryam20/petition.html

دنباله مصاحبه از صفحه 2

در واقع این حرکت توسط گروههای مختلف چپ به وجود آمد که در نهایت به یک انسجام و هماهنگی عملی بین آنها انجامید و پیوند دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را با هم محکم تر کرد. به این اعتبار میتوانم بگویم، بله همکاریها مشخص و مشهود بود ولی در عین حال آزادانه و با خلاقیت فراوان صورت گرفت. به خاطر همین قدرت بیشتری پیدا کرد! در واقع گروهها موازی هم بسیج شدند و نه به صورت محوری زیر فرمان یک گروه خاص قرار گرفته باشند!

پروین کابلی: شعارهای آزادی و برابری همه جا به چشم میخورد و همینطور نقش زنان

و دختران دانشجو فعالتر به نظر میرسید. در این مورد اگر میشود توضیح بیشتری بدهید؟

کامیار آزادمهر: جنبش چپ همیشه برای رسیدن به آزادی و برابری تلاش نموده و این هدف تنها جایی محقق میشود که زنان نیز در کنار مردان حقوق مساوی داشته باشند. دانشجوی چپ امروز خود را از فرهنگ ملی اسلامی و عقاید کهنه و پوسیده زن ستیز بریده! دانشجوی چپ امروز چه مرد باشد و چه زن وظیفه خود می داند تا حقوق از دست رفته زنان جامعه را به آن ها باز گرداند و این یکی از اولین خواست های این جنبش می باشد! دختران دانشجو طیف وسیع و فعالی از چپ امروز را تشکیل می دهند و رهبران

خود را به جامعه معرفی کرده اند! در لیست دستگیری های چند وقت اخیر می توان به خوبی نام آن ها را دید و این یک افتخار برای ما دانشجویان برابری طلب محسوب میشود.

پروین کابلی: با تشکر از شما و با آرزوی موفقیت.



نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.

مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید!

خواندن نشریه آزادی زن را به دوستان خود توصیه کنید!

از سایت آزادی زن دیدن کنید!

www.azadizan.com
www.azadizan.net

به سازمان آزادی زن بپیوندید!

خشونت علیه زنان را باید از حیطة خصوصی خارج و آن را به حوزه عمومی وارد نمایند!

شهلا نوری

چند سالی است از طرف مجامع بین المللی روز ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه علیه خشونت بر زنان اعلام شده است. خشونت نوعی عملکرد است که برای کنترل و ایجاد ترس و وحشت بر افراد و یا جامعه اعمال می شود و بیشتر برای کنترل حرکات و رفتار و عملکرد افراد و یا ایجاد رعب و وحشت از آن استفاده میشود.

بر اساس اطلاعیه سازمان ملل در کل جهان امروز بیشترین بیسوادها زن هستند، سخت ترین کارها را زنان انجام میدهند. فقیرترین و بیمارترین اقشار جامعه زنان هستند.

اما طبق گفتار انجمن روانشناسی بالینی ایران، ۳۱ درصد زنان در آمریکا مورد خشونتهای جنسی، جسمی و عاطفی قرار میگیرند. این آمار در کشور ایران به دو برابر افزایش می یابد. با وجود اینکه اعمال خشونت در جوامع مختلف ویژه زنان نیست و شامل مردان نیز می گردد اما مطالعات بین المللی نشان میدهد که زنان ۷ تا ۱۴ برابر بیشتر از مردان مورد اذیت و آزار همسران خود قرار میگیرند.

در جامعه اسلام زده ایران، فرهنگ مردسالارانه و پدرسالارانه و آداب و سنتهای



عقب مانده که از طرف رژیم و نهادهای اجتماعی مربوط به آن تقویت میشود، باعث ترویج زن ستیزی، خشونت، فقر و گسترش خشونت در جامعه میشوند. البته قربانیان اصلی این خشونت ها در واقع کل جامعه و بیش از همه زنان و کودکان میباشند.

اشکال متفاوت خشونت علیه زنان در سراسر دنیا و در کشورهای مذهب زده و به ویژه در ایران، بخصوص در تحت فشار قوانین قرون وسطایی اسلامی، عبارتند از:

خشونت فیزیکی، روانی، کلامی، جنسی، ناموسی، اقتصادی و خشونت حقوقی از جمله طلاق، چند همسری، صیغه، روابط مخفی و دور از چشم همسر و عواقب آن، حضانت کودکان، امتناع مرد از طلاق بر خلاف اصرار زن و خشونت علیه همجنسگرایان و....

بعد از ۲۹ سال زندگی تحت قیومیت اسلام در بعضی از نقاط کشور ناموس پرستی و قتلهای ناموسی به یکی از معضلات جدی تبدیل شده است. در زمان سلطنت پهلوی هم طبق اصل ۱۷۹ قانون مجازات های کیفری، قتل ناموسی قتل محسوب نمیشد و مجازاتی در پی نداشت. در حال حاضر در کشورهای خاورمیانه و اسلامی به استثنای تونس و لبنان، قتل ناموسی قتل محسوب نمیشود.

طبق قوانین نا نوشته عشیره ای و قوانین نوشته شده اسلامی، قتل ناموسی یکی از وظایف اخلاقی و معنوی مرد محسوب میشود.

طبق اصل ۱۳۲ جزا، سنگسار بعنوان مجازات زنی که رابطه خارج از ازدواج داشته باشد از واجبات شمرده میشود.



امروزه زن ستیزی و تحمیل اخلاقیات و سنتهای منبعث از ادیان و مذاهب تحت نامهای مختلف خودنمایی می کند و در کشورهای که قوانین روشنی علیه ستم بر زن موجود نیست و دست دین از زندگی مردم کوتاه نشده، عملاً آپارتاید جنسی حاکم است.

در جریان پیروزی انقلاب اکثراً و اعلام سوسیالیسم در روسیه زنان به دستاوردهای بزرگی در امر رهایی و حقوق برابر در عرصه های قوانین مدنی، ازدواج، مالکیت، طلاق، اشتغال و تحصیل دست یافتند. طبق این قوانین زن و مرد از نقش برابر در خانواده برخوردار گشتند، آزادی های جنسی برقرار شد، طلاق و جدایی زن و مرد صرفاً با اعلام تمایل هریک از طرفین امکان پذیر شد، روابط جنسی و هر نوع رابطه ای بین افراد بزرگسال امر خصوصی آنان اعلام و دست مذهب و دولت از زندگی خصوصی مردم کوتاه شد.

امروز اما انسان بسیاری از دستاوردهای انقلاب اکثراً را از دست داده است و چاره ای ندارد بجز اینکه مهر یک تحول مجدد تاریخی را بر جنبش آزادی زن بکوبد. شاخص آزادی و پیشرفت هر جامعه ای رهایی و پیشرفت زنان در آن جامعه است و این راه را نمیشود تا نیمه رفت. باید دیوار آپارتاید جنسی را در هم کوبید! زنده باد آزادی و برابری

آمار ضد و نقیض در مورد ایدز

در آستانه روز جهانی مبارزه با ایدز یک کارشناس پیشگیری از ابتلا به ایدز گفت، علیرغم تولید داروهایی که از انتقال ویروس HIV از مادر به نوزاد جلوگیری می کند، به دلیل کمبود آموزش و اطلاع رسانی در برخی از استان های کشور همچنان تعداد زیادی از نوزادان این بیماری را از مادران خود دریافت می کنند. او میگوید تعداد مبتلایان به ایدز در کشور ۷۰ تا ۸۰ هزار نفر و حتی در برخی از آمارها تا ۱۰۰ هزار نفر پیش بینی می شود. این در حالی است که تعداد افراد شناسایی شده کمتر از ۱۶ هزار نفر است و افرادی که هنوز شناسایی نشده اند بیشتر از طریق روابط جنسی مبتلا شده اند. وی تصریح کرد، پیش بینی می شود که با ادامه روند کنونی، در آینده نزدیک اکثریت جمعیت مبتلایان به ویروس HIV در کشور را افرادی تشکیل دهند که از طریق روابط جنسی به این ویروس مبتلا شده اند.

اما بنا به گزارش دیگری که از یک همایش در مورد بیماری ایدز تهیه شده یکی از پزشکان اعلام میکند، تاکنون ۱۶ هزار و ۹۰ نفر در مازندران مبتلا به بیماری ایدز شناسایی شده اند. همین پزشک ضمن بیان افزایش بیماری ایدز در استان مازندران گفت پیش بینی می شود در حال حاضر تعداد مبتلایان به بیماری ایدز شناسایی نشده در استان مازندران ۳.۵ برابر افراد شناسایی شده است.

اکنون ۲۹ سال است که اخلاقیات و دین بر انسانیت پیشی گرفته و علیرغم وجود انسانهای متخصص و مسئول "علم را در پستوها نماند باید کرد" چون پایه های حکومت اسلامی در مواجهه با علم به لرزه در می آید. شما خودتان بفکر حفظ سلامت خود باشید. این جمله را فراموش نکنید:

رابطه جنسی بدون کاندوم یا کاپوت هرگز!

شهلا نوری

زنده باد آزادی زن!

فروش در مدت کوتاهی سلاخی می شوند و پلیس نظاره گر است. در خوابگاههای دانشجویان، زنان هدف قرار میگردند، به آنها تجاوز میشود و یا به قتل می رسند. در کشورهای به اصطلاح عقب مانده که مذهب و فرهنگ ارتجاعی دست بالا را دارد و یا در سیاست تاثیر گذار است، موقعیت زنان بسیار وخیم تر از آن است که تصورش را بکنید. در این کشورها سرکوب زنان وحشیانه ترین شکل را بخود می گیرد. سنگسار زنان، زندان کردن زنان تا قتل های ناموسی و قطع عضو آنان بخاطر رفتارهایی که در اینجا خیلی عادی بشمار میآید را میتوان به لیست غیر قابل شمارش خشونت علیه زنان در این کشور ها اضافه کرد.

اما این شرایط را چگونه میتوان از بین برد؟ من معتقدم که فقط يك جنبش اجتماعی وسیع برای برابری زن و مرد است که می تواند در مقابل خشونت علیه زنان بایستد. جنبشی که برای آزادیهای همه جانبه و نه فقط آزادی سیاسی مبارزه میکند. جنبشی که نه فقط برای مساوات در قبال قانون بلکه مساوات در استفاده از ثروت جامعه مبارزه میکند میتواند به شرایط نابرابر زن و مرد پایان داده و در نتیجه به خشونت علیه زنان نیز خاتمه بخشد.

پادداشت: "زنان فراموش نخواهند کرد" کمپینی است جهت مبارزه علیه خشونت به زنان در کانادا



طبق گزارش سایت "تغییر برای برابری" جلوه جواهری، عضو "کمپین یک میلیون امضاء" و از نویسندگان وب سایت "تغییر برای برابری" ظهر امروز، شنبه دهم آذرماه 1386 در دادگاه انقلاب بازداشت شد.

جلوه جواهری صبح روز شنبه در پی احضار کتبی به دادگاه انقلاب مراجعه کرده و پس از چند ساعت بازجویی در دادرسی ویژه امنیت، به اتهام تشویش اذهان عمومی، تبلیغ علیه نظام، نشر اکاذیب از طریق انتشار اخبار کذب در سایت "تغییر برای برابری" بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.

طبق گزارش سایت تغییر برای برابری: "جلوه جواهری که دانشجویی کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی است، سال هاست در انجمن های زنان فعالیت می کند و ترجمه ها و مقالات خود را از منظر جامعه شناسی در سایت ها و نشریات مختلف زنان منعکس می کند."

سازمان آزادی زن بازداشت جلوه جواهری و کلیه فعالین حقوق زن را شدیداً محکوم میکند و خواهان آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی است. رژیم اسلامی در صدد سرکوب جنبش آزادی زن و کلیه جنبش های اجتماعی معترض است. توری انداخته تا رفته رفته کلیه فعالین اجتماعی و معترض را دستگیر و بازداشت کند. باید بطور سازمان یافته و متشکل به این سرکوب گسترده اعتراض کرد. سازمان آزادی زن از کلیه انسان های آزادیخواه و برابر طلب میخواهد که به سرکوب فعالین جنبش حقوق زن اعتراض کنند و خواهان آزادی زندانیان سیاسی شوند. لذا سازمان آزادی زن از تمام کسانی که نسبت به موقعیت این فعالین نگران اند، میخواهد که پتیشن ما را امضاء کنند.

www.PetitionOnline.com/maryam20/petition.html



سخنرانی هما ارجمند در ۶ دسامبر در اجتماع "زنان فراموش نخواهند کرد" در تورنتو کانادا

تنها يك جنبش اجتماعی وسیع و رشد یابنده برای برابری زن و مرد می تواند در مقابل خشونت زنان بایستد.

تاریخ تمام جوامع تا به امروز، تاریخ نابرابری، تبعیض، محرومیت و سرکوب سیاسی بوده است. در این میان خشونت علیه زنان و سرکوب زنان مرکز نقل آن حتی در دنیای امروز بوده است. در يك گوشه از جهان، رسم و رسوم عقب افتاده تقویت و توسط جریانات مذهبی پاسداری میشود بنحوی که وحشیانه ترین خشونتها علیه زنان بخشی از قوانین رسمی اش می گردد. در کشورهای مدرن، در جاهایی که توانسته اند تبعیض جنسی زنان را توسط جنبشهای مدافع حقوق زنان و حقوق بشر از قوانین حذف کنند، زنان هنوز هم در زمینه های بسیاری مورد تبعیض قرار می گیرند. با تسلط هرچه بیشتر جریانات راست در قدرت سیاسی و تهاجم هرچه بیشتر جنبشهای ارتجاعی و مذهبی به دستاوردهای فرهنگی مدرن و مترقی، مردسالاری و خشونت به زنان ابعاد گسترده ای به خود میگیرد.

دستاوردهای تا کنونی جنبش برابری زنان در مقیاس بین المللی تغییرات بسیار مثبتی را در شرایط زندگی زنان نسبت به گذشته بوجود آورده است. هرچند در طی سی سال گذشته تلاش وسیع جنبش زنان در صف مقدم مبارزه در غرب بر بستر سامانه های اجتماعی رساندن خدمات به زنان، خانه های امن و حمایت از زنان مورد خشونت واقع شده و غیره نقش به سزایی در قدرت بخشی به زنان داشته است، ولی کماکان موقعیت زنان حتی در جوامع غربی در همه سطوح از مردان پایین تر است و همین خود اصلی ترین شرایط را برای تداوم خشونت و آزار به زنان را بوجود می آورد.

يك نگاه کوتاه بر آنچه که بر زنان در همین کانادا میگذرد میتواند آنچه که بدان تاکید دارم را ثابت کند. در همین ایالت انتاریو از سال ۱۹۹۵ تا کنون ۲۵۸ زن توسط همسرانشان و ۳۵ کودک توسط پدرانشان بقتل رسیدند. گفته میشود که زن آزاری اپیدمیک شده است. ما رژه می رویم که "شبها را به زنان بر گردانیم" چرا که آمار میگوید در هر دو دقیقه و نیم يك زن مورد تجاوز جنسی قرار میگیرد. در خیابانهای ونکور بیش از ۵۰ زن تن

رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی
azarmajedi@yahoo.com
سردبیر نشریه
پروین کابلی
parvinkaboli@yahoo.se
Tel: +46 707 744 020
دستیار سردبیر
اسماعیل اوچی
esmail_owji@yahoo.com

زنده باد آزادی، برابری و رفاه!